

تبدیل تهدید به فرصت

راهبردهایی برای تدریس در کلاس‌های چندپایه - بخش پنجم و پایانی

دکتر رخساره فضلی

کلیدواژه‌ها: یادگیری مشارکتی، جورچین، باهم‌آموزی، پژوهش گروهی.

تاکنون در شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۵، چهار بخش از سلسله‌مطالب راهبردهای نو برای تدریس در کلاس‌های چندپایه را خوانده‌اید. با انتشار این بخش، پنجمین و آخرین قسمت این مطالب را مطالعه می‌کنید. امیدواریم این مجموعه توجه شما خوانندگان گرامی، بویژه آموزگاران کلاس‌های چندپایه را جلب کرده باشد. از دوره‌ی آتی هم مطالبی را درباره‌ی کلاس‌های چندپایه منتشر خواهیم کرد. بسیار سپاس‌گزار می‌شویم که شما هم نیازها و پرسش‌های خودتان را برای طرح در این سلسله‌مطالب تا پایان خرداد ماه ۱۳۹۰ به دفتر مجله ارسال کنید.

با نگاهی به روش‌های مشارکتی در فرایند یاددهی - یادگیری کلاس‌های چندپایه

«خردمند شاگردانش را هنگام تعلیم هدایت می کند، به دنبال نمی کشاند. آن ها را به پیشبرد می خواند، متوقف نمی سازد. راهی در پیش رویشان می گشاید، به جایی نمی برد. اگر شاگردان او بر آن نشوند که خود مشتاقانه بیندیشند، می توان او را معلمی خوب خواند.»

(کنفوسیوس، ۵۰۰ ق.م)

کلاس های چند پایه فرصت مناسبی برای استفاده از روش های مشارکتی هستند. یادگیری مشارکتی پدیده جدیدی نیست و از گذشته های دور استفاده می شده است، اما شرایط موجود و ویژگی های دورانی که ما در آن زندگی می کنیم، ضرورت آن را بیش از پیش نمایان ساخته است. امروزه دسترسی به آموزش با کیفیت و فرصت های برابر آموزشی، حقی طبیعی قلمداد می شود.

یادگیری مشارکتی

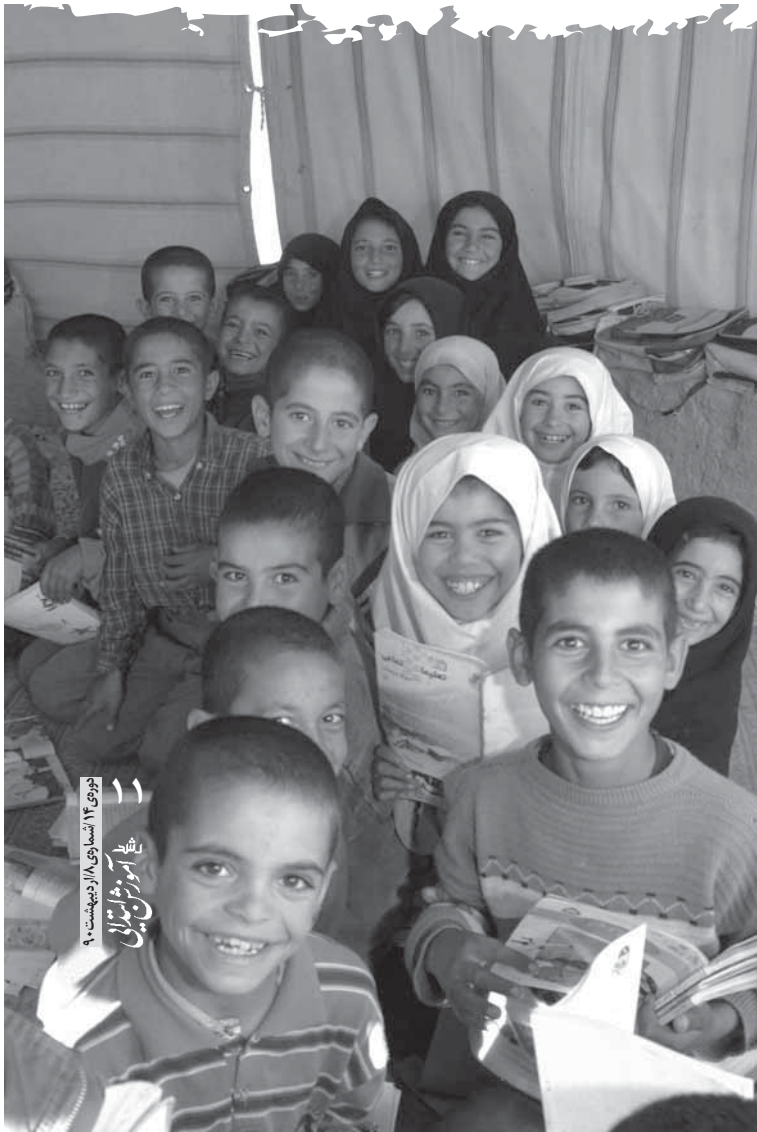
زیربنای نظری یادگیری مشارکتی به سال های آغازین قرن بیست و یکم برمی گردد که دیویی معلم را به تشکیل گروه هایی برای «بررسی و حل مسئله» ترغیب می کرد. در دهه ۱۹۸۰ مشارکت در یادگیری با این رویکرد که یادگیری فرآیندی اجتماعی است و فعالیت های یادگیری برای رسیدن به مرحله تولید اندیشه و اطلاعات حیاتی است، از نو ظهور یافت. یادگیری مشارکتی به شکل های یادگیری گروهی دانش آموزان، روش جورچین یا تقسیم موضوع به بخش های متنوع، با هم آموزی، پژوهش گروهی، یادگیری انفرادی مبتنی بر کمک گروه، گروه بازی- مسابقه و نوشتن مشارکتی اجرا می شود. برای به وجود آوردن اجتماع یادگیری موفق، باید مشارکت و وابستگی متقابل مثبت در سطوح گوناگون یعنی در گروه های یادگیری دانش آموزان یک پایه، بین کلاس ها، مدرسه، خانواده و مدرسه و جامعه محلی رخ بدهد. یادگیری مشارکتی دانش آموزان را برمی انگیزد به صورت همیار با هم کار کنند تا به هدفی مشترک دست یابند. کلاس درس مشارکتی «کلاس من» را به «کلاس ما» تبدیل می کند. در کلاس مشارکتی، برقراری ارتباط چهره به چهره در گروه های ناهمگن (که در کلاس های چندپایه بیش از کلاس های عادی است)، به رشد مهارت های اجتماعی یاری می رساند و از آن جا که دانش آموزان برای تحقق هدفی مشترک کار می کنند، خود را در موفقیت گروه سهیم می دانند. گرچه آن ها در گروه های یادگیری فعالیت می کنند، اما مسئول یادگیری خود هم هستند. آن ها در فعالیت های گروهی فرصت می یابند به صورت مشترک درباره ای آن چه یاد گرفته اند و نحوه یادگیری، بیندیشند و مهارت هایی را که برای رسیدن به هدف به کار برده اند، ارزش یابی کنند. در این فرایند، دانش آموزان فعال هستند و دانش خود را می سازند و نقش معلم از «دانا کل صحنه کلاس»، به «راهنمای عمل» تغییر می یابد. به همین دلیل درک و فهم دانش آموزان از مطالب درسی افزایش می یابد و آن ها می توانند نظرات خود را بیان و نیز ایده سازی و

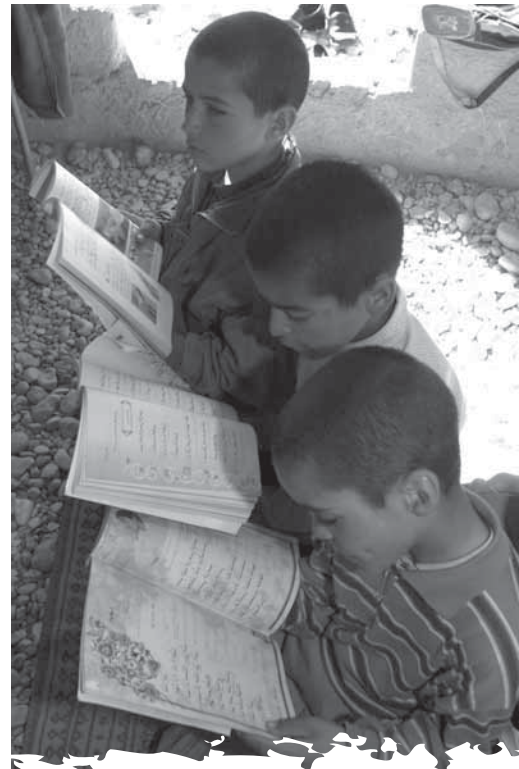
احساس خودکارآمدی کنند.

روش های تدریس مبتنی بر یادگیری گروهی متعدّدند. به برخی از آن ها که در کلاس های چند پایه کاربرد بیشتری دارند، می پردازیم:

۱. یادگیری گروهی دانش آموزان

در این روش، یادگیری براساس کار و مسئولیت گروهی در گروه های کوچکی است که سطح توانایی اعضای آن ها یکی نیست. به تیم هایی پاداش داده می شود که اعضای گروه نسبت به عملکرد گذشته خود پیشرفت کنند. در این یادگیری، دانش آموزان در گروه های کوچک قرار می گیرند. معلم مطالب درسی را ارائه می دهد و هنگام تدریس به سایر پایه ها می تواند کاربرگ هایی را براساس مطالب ارائه شده، در اختیار گروه قرار دهد تا مطالعه کنند. دانش آموزان با نظارت بر عملکرد اعضای گروه اطمینان حاصل می کنند که همه ی اعضا به محتوا مسلط شده اند. تیم ها مسائل را با هم حل می کنند و درس را با هم می خوانند، ولی آزمون به صورت فردی گرفته می شود. نمرات هر یک از افراد در نمره ی کل گروه اثر دارد. نمره ی فردی هر عضو که روی نمره ی تیم اثر می گذارد، به پیشرفت آن عضو مربوط می شود، نه نمره ی مطلق.





بنابراین، دانش‌آموزان می‌کوشند سخت کار کنند، زیرا پیشرفت آنان برای گروه ارزش دارد و با توجه به شرایط کلاسی و تعداد پایه‌های خود آموخت، می‌تواند تیم‌هایی از چند پایه و یا تیم‌هایی از یک پایه با حضور دانش‌آموزی از پایه‌های دیگر تشکیل دهد.

۲. روش جورچین

جورچین رویکردی در

یادگیری مشارکتی است که در آن اعضای گروه روی مطالبی کار می‌کنند که به چند بخش تقسیم شده است. هر عضو گروه، مسئول یک قسمت است که پس از مطالعه، به نوبت قسمت خود را به اعضای دیگر آموزش می‌دهد. در این روش هم‌چنین اعضای گروه می‌توانند همگی به جای یک قسمت، کل درس را مطالعه و سپس درباره‌ی آن بحث و تبادل نظر می‌کنند. از این روش می‌توان برای بهره‌وری آموزش‌های خودآموخت استفاده کرد.

۳. باهم‌آموزی

در این روش، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود با همکاری در گروه، دست به تولید محصول، یا انجام پروژه‌های مشترک بزنند. این روش چهار مؤلفه دارد: ۱. تعامل چهره به چهره؛ ۲. وابستگی متقابل مثبت؛ ۳. مسئولیت فردی؛ ۴. رشد مهارت‌های گروهی بین فردی.

این روش، علاوه بر توجه به پیشرفت تحصیلی، بر رشد اجتماعی-عاطفی و تعامل گروهی نیز تمرکز دارد. در یادگیری با هم، دانش‌آموزان در گروه‌های همگن با تأکید بر کار و بحث گروهی و مهارت‌های کار تیمی، محصولی را تولید می‌کنند و سپس آن را به داور می‌گذارند. داور یا ارزش‌یابی‌کننده‌ی محصول، معلم و اعضای سایر گروه‌ها هستند که محصولات تولید شده مثل پوستر، روزنامه دیواری، ماکت و... را از نظر کیفیت ارزش‌یابی می‌کنند.

۴. پژوهش گروهی

این روش ترکیبی از یادگیری مستقل و کار گروهی در گروه‌های دو تا شش نفره است که در آن، گروه به خاطر پیشرفت هر یک از اعضا پاداش می‌گیرد. معلم مسئله‌ای را برای کلاس انتخاب می‌کند، ولی دانش‌آموزان خود تصمیم می‌گیرند برای بررسی این مسئله چه چیزی را مطالعه کنند. کار بین اعضای گروه تقسیم می‌شود و هر فرد به‌طور

جداگانه بخش مربوط به خود را انجام می‌دهد. بعد گروه جمع می‌شود و یافته‌های اعضایش را به صورت پروژه‌های گروهی، ادغام، خلاصه و ارائه می‌کند. نقش معلم تسهیل این پژوهش و حفظ همکاری گروهی است. دانش‌آموزان برای ارزیابی کارهایشان با معلم همکاری می‌کنند.

۵. یادگیری انفرادی مبتنی بر کمک گروه

در این روش، گروه‌ها از دانش‌آموزانی تشکیل می‌شود که توانایی‌های متفاوت دارند. معمولاً تعداد اعضای هر گروه چهار نفر است. گروهی که پس از پایان کار یا مطالعه، عملکرد مطلوبی داشته باشد، پاداش می‌گیرد. در این روش، برخلاف سایر روش‌ها، یادگیری از طریق همیاری با یادگیری انفرادی تلفیق می‌شود و دانش‌آموزان براساس نتیجه‌ی آزمونی که از آنان به عمل می‌آید، گروه‌بندی می‌شوند. پس از جابه‌جایی، هر یادگیرنده با توجه به سرعش در یادگیری، به فراگیری محتوای درس می‌پردازد. به دیگر سخن، اعضای گروه هریک به مطالعه و یادگیری موضوع‌های گوناگونی می‌پردازند. کنترل یادگیری اعضا، با استفاده از برگه‌ی پاسخ‌نامه انجام می‌گیرد و در صورت وجود مشکل، برای حل آن اقدام می‌شود. آزمونی که از یادگیری هر مبحث به عمل می‌آید، انفرادی است و سرگروه (که می‌تواند از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر و یا از کسانی باشد که به حمایت عاطفی نیاز دارند) پاسخ‌نامه‌ی اعضای هر گروه را تصحیح می‌کند. معلم هر هفته، براساس تعداد مباحثی که دانش‌آموزان هر پایه مطالعه کرده‌اند، نمره‌هایی که در آزمون‌ها گرفته‌اند و امتیازاتی که از انجام تکالیف منزل کسب کرده‌اند، به گروه‌های دارای کارایی بیشتر، پاداش می‌دهد. چون دانش‌آموزان مسئولیت کنترل فعالیت‌های یکدیگر و هدایت فرایند پیشرفت یادگیری را برعهده دارند، معلم می‌تواند وقت کلاس را به ارائه‌ی درس به سایر پایه‌ها تخصیص دهد.

۶. نوشتن مشارکتی

دانش‌آموزان به زوج‌هایی تقسیم می‌شوند و به نوبت، یکی از اعضای تیم دو نفره مطلب را ارائه می‌دهد. عضو دیگر گوش می‌کند و به او بازخورد می‌دهد. سپس نفر دوم معلم می‌شود و مطالب بعدی را درس می‌دهد و اولی گوش می‌دهد و ارزیابی می‌کند. این روش، علاوه بر مهارت‌های کلامی، توانایی گوش کردن، تحلیل و خودارزیابی را افزایش می‌دهد.

۷. کارآیی گروه

در این روش، هریک از اعضای گروه، دانش خود را قبل از بحث تیمی ارزیابی می‌کند. بعد از یک مرور اولیه، هر عضو به تعدادی سؤال صحیح و غلط و یا چندگزینه‌ای از موضوعی که قرار است آموخته شود، پاسخ می‌دهد. سپس اعضا در مورد هریک از پاسخ‌ها با یکدیگر بحث می‌کنند تا به توافق برسند. بدین منظور، آن‌ها فرصت می‌یابند

تا اطلاعات خود را ردوبدل کنند و دلایلشان را توضیح دهند. سپس نمرات فردی، پاسخ توافقی و معدل گروهی محاسبه و ثبت می‌شود.

تدریس می‌کند، از تدریس خصوصی سود می‌برد. تدریس به دیگری، یکی از بهترین راه‌های یادگیری است.

کارآموزی شناختی

کارآموزی شناختی یکی از روش‌های سنتی یاددهی-یادگیری است. مشارکت راهنمایی شده‌ی شاگرد در تکالیف واقعی، باعث دست‌یابی او به دانش و مهارت و ارزش‌های عینی موضوع آموزش می‌شود. در این تعامل، نه تنها شاگرد به یادگیری‌های تازه‌ای می‌رسد، بلکه معلم نیز در کار خود پیشرفت می‌کند و نوعی یادگیری متقابل صورت می‌گیرد. فرد ماهرتر هم درک و استفاده‌ی یادگیرنده از مهارت‌های فردی را گسترش می‌دهد و پشتیبانی می‌کند. واژه‌ی کارآموز بر اهمیت فعالیت در یادگیری تأکید دارد. با استفاده از کارآموزی شناختی در کلاس‌های چندپایه، معلم و دانش‌آموزان سایر پایه‌ها، می‌توانند سرمشق‌های مناسبی برای دانش‌آموزان در اتخاذ راهبردها باشند. معلم و همکاران او در کلاس چند پایه، از کوشش‌های دانش‌آموزان در انجام تکلیفشان حمایت می‌کنند و سرانجام آن‌ها را تشویق می‌کنند که به‌طور مستقل کارشان را ادامه دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، وقتی معلم یا دانش‌آموزان دیگر از داربست زدن و مشارکت هدایت شده برای کمک به دانش‌آموزان استفاده می‌کنند، یادگیری آن‌ها بهتر می‌شود.

در این روش لازم است معلم راهبردهای شناختی متعددی را گسترش دهد تا دانش‌آموزان بتوانند به جست‌وجو، اکتشاف و سازمان‌دهی مطلب بپردازند و خود به تنهایی یاد بگیرند. این مدل با به کارگیری روش‌هایی از جمله موارد زیر، قابل اجراست: سرمشق‌دهی (نشان دادن نحوه‌ی انجام کار به دانش‌آموزان)، آماده‌سازی (هدایت جنبه‌های خاصی از کنش دانش‌آموزان)، داربست زدن (حمایت کردن و کمک کردن به دانش‌آموز در انجام تکالیفی که بدون ارائه‌ی کمک، برای آن‌ها مشکل خواهد بود)، حذف کردن یا از میان برداشتن حمایت تا دانش‌آموزان تا حد امکان خود مسئولیت حل مسئله و یادگیری را به‌عهده بگیرند و اندیشیدن و بیان کردن را تجربه کنند.

تدریس خصوصی

تدریس خصوصی به‌صورتی که یک دانش‌آموز (گاهی در سن بالاتر) به دانش‌آموز دیگر تدریس می‌کند، به جبران نواقص یادگیری کمک می‌کند و ماهیت کلاس‌های چندپایه، بستر لازم برای این مهم را فراهم می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تدریس خصوصی بین سنی، از تدریس خصوصی هم‌کلاس مؤثرتر است. دانش‌آموز بزرگ‌تر، احتمالاً نسبت به هم‌کلاس دانش‌آموز نیازمند کمک، مهارت بیشتری دارد و برعکس، کمک گرفتن از هم‌کلاسی، احتمالاً موجب شرمندگی دانش‌آموز ضعیف‌تر می‌شود و به مقایسه‌ی اجتماعی منفی می‌انجامد. پژوهشگران دریافته‌اند، تدریس خصوصی دانش‌آموز به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کمک می‌کند. گاهی دانش‌آموزی هم که

داربست زدن

داربست زدن روشی برای تغییر دادن میزان پشتیبانی طی دوره‌ی تدریس است. شخص ماهرتر (معلم یا هم‌کلاسی پیشرفته‌تر یا دانش‌آموزان بزرگ‌تر)، میزان راهنمایی خود را طوری تنظیم می‌کند که مناسب سطح عملکرد جاری دانش‌آموز باشد و به تدریج کاهش یابد. درواقع، رساندن دانش‌آموز از وضعیتی که دارد، به وضعیتی که می‌تواند داشته باشد، مستلزم تکیه داشتن او بر کمک و همراهی دیگران است. برای همین توجه به میزان کمک مورد نیاز برای انجام تکالیف در سطح پیشرفته‌تر توسط بزرگسالان آگاه یا همسالان و همچنین فراهم کردن فرصت مناسب برای این که دانش‌آموز بتواند دیگران را راهنمای خود قرار دهد و از جریان یادگیری و حل مسئله با خود سخن بگوید، برای رشد همه‌جانبه‌ی فرد و گسترش مفاهیم ذهنی و کشف ارتباط آن‌ها با یکدیگر ضروری است.

